

امروز پس از گذشت چند دهه آموزش عمومی  
چندین سال فعالیت فرهنگی، کارگزاران فرهنگی،  
روانشناسان، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان بر سر این  
نکته اتفاق نظر دارند که دستیابی غالب مردم به  
فرهنگی سرشار و شکوفان، در دوران کودکی از  
طریق بنیادی که مورد استفاده همگان است یعنی  
مدرسه، امکان پذیر است. حساسیت و تخیل کودک  
ست‌نخورده و قابلیت خلاقیتش کامل و تمام است.  
مثلاً در دوران کودکی تماس با ارزشهای فرهنگی  
تحت سلطه و نفوذ عوامل بازدارنده روانی و اجتماعی  
که بعدها در زندگی بزرگسالان اثر می‌نهد نیست و  
به فرجام از یاد نباید برد که در بسیاری از کشورها  
تقریباً همه کودکان چندین سال به مدرسه می‌روند.  
اما بدبختانه در همین کشورها کم‌کم جدایی و  
افتراقی میان مدرسه و فرهنگ، تربیت هوش و  
تربیت حس و احساس پیش آمده است و کودکان  
بعلاوه این جدایی در برخورد با عوامل بی‌ریشه اجتماع  
مستعدی مصرف، بی‌سازویرگ می‌مانند، دچار عدم  
تعادل می‌شوند و از اینرو دیگر نمی‌توانند با دست‌وپدن

به بیان خویش بپردازند و با چوب و سنگ و خاک  
و آتش و آب و گیاه رابطه و تماس داشته باشند.  
اگر هدف مدرسه یاری دادن کودک است تا  
بر محیط مادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی تسلط  
یابد، ناگزیر باید پذیرفت که تربیت امروزی  
نارساست: مدرسه کودک را از راه استدلال منطقی  
با واقعیت آشنا می‌سازد، اما مفتاح و کلید  
بازگشایی عالم را که کودک باید بر آن از لحاظ  
مادی و نمادی و انسانی چیره شود مستقیماً به وی  
اوزانی نمی‌دهد. در واقع فراگرد رشد و پختگی  
تنها از مایه عقلی توشه بر نمی‌گیرد بلکه به انگیزه‌های  
هیجانی و احساسی نیز نیازمند است. تربیت  
«هوشی - حسی» کودک شرط و لازمه جاگیرش  
در جهانست و فئدان این تربیت غالباً موجب ایستایی  
و حالت انفعال و تأثیر پذیری است که در جوانان  
امروزی مشاهده می‌کنیم. این حقیقت خاصه در  
مورد کودکانی که بیش از پیش در شهرهای بزرگ  
زندگی می‌کنند و تنها از دریچه تلویزیون دنیا را  
می‌بینند و می‌شناسند مصداق می‌یابد. از یکسو

رفته رفته دنیای نمایش جایگزین دنیای زنده واقعی می شود. انبوه پیامهای تبلیغی یا خبری و اطلاعی که میدان خود آگاهی را فرا می گیرند، بی آنکه مبتنی و متکی به تجربه تماشاگر و شنونده باشند و گیرنده پیام در آن باب تجربه ای به دست آورده باشد، موجب آنست که تخیل و واقعیت به هم آمیزند و حدی میان آنس دو نماند. چیزهاییکه نمایش داده می شوند هیچ محمل و پایه و سابقه و مرجع تجربی در ذهن تماشاگر ندارند. بدینگونه هر کسی می تواند بدون حضور واقعی درویش نام ویا کره ماه، جنگ ویتنام ویا فرود آمدن انسان بر کره ماه را ببیند. میدان دید و شنوایی طی سی سال اخیر گسترشی شگرف یافته، اما حاصل این گسترش پیدایی حالت بی اعتنائی، ضعف وفتور قضاوت شخصی ما به ازای حصول عقیده ای گنگ و مبهم درباره بسیاری چیزها بوده است. بی مسئولیتی و بی اعتنائی، زیرا آدمی به دیدن مناظر و موقعیتهایی که بی احساس پشیمانی می تواند خود را در پیدایی آنها مسئول و تخیل نداند، چون دور از اوست، خو می کند و ضعف و فتور قضاوت چون آدمی که اگر دهقان زاده یا اهلوان و پیشه ور باشد هر آن درباره موقعیتی زنده و ملموس نفیاً یا اثباتاً، سلباً یا ایجاباً قضاوت می تواند کرد، نمی داند درباره اینهمه عقیده، گفتار، تصویر، احساس و نظر که بدون انتقاد و بی واسطه اقوام والدین می گیرد، چه بگوید و چگونه داوری کند؟ از سوی دیگر انسان بیش از پیش در مسیری عقلانی گام بر می دارد. امروزه موادی که محیط زیست کودک را می سازند دیگر چوب و آهن و

سنگ که شریکان و همدستان مقاوم، سرسخت اما جبری نجار، و آهنگر و بناست، نیست. کودک ناخود آگاهانه نیاز بازگشت به سرچشمه معرفت یعنی حس و شئی را بیش از هر زمان احساس می کند. وقتی سخن از بردن «فرهنگ مدرسه» می رود، غرض افزودن چند ساعت در مطالعه تاریخ هنر بر دروس مدرسه که باز جز دیگر دروس مبتنی بر منطقی و استدلالی مجرد، تحلیلی، و تعمیم پذیر است، نیست بلکه متن گشودن چشم و گوش کودک بردنیای پیرامون یعنی دنیای اشخاص و اشیاء است. فرهنگ با آموزش مفاهیم آغاز نمی شود، بیشتر از تجربه می بالد و تجربه چیز است که از راه جسم و حواس به دست آید، در جسم و حواس بنشیند و اندک گذارد.

به این بینش و برداشت متخصصانی که به دور یونسکو به سال ۱۹۷۰ برای بررسی تربیت هنر عامه مردم در اوتاوا گرد آمدند چنین نتیجه گرفتند:

«همانگونه که اجتماع می خواهد همه افراد کار کنند و به یاری لغت و رقم با یکدیگر تبادل بگیرند و رابطه برقرار سازند، تمدن نیز خواهد سوادآموزی در زمینه هنر است و خواهد بود». اکنون باید دید نظام آموزشی غالب کشور برای اینگونه سوادآموزی چه می کند؟ مجله بحث و مناظره ای که به دعوت یونسکو در برمنگام انگلستان در ۱۹۷۰ برگزار گردید اعلام داشت «محتوی فرهنگی برنامه های آموزش دوره ابتدائی غالباً به غایت عالی و غنی است. در این

مرحله آموزش و فرهنگ به هم می آمیزند ، یا یکی هستند و از یکدیگر نگسته اند ، چنانکه در یلتز موارد ، اختلافی میان کار و بازی وجود ندارد و فعالیت کودک پاره پاره ، تجزیه و تقسیم شده است . فعالیت کودک در این مرحله اساساً بر محور بازی خلاق با مواد طبیعی چون شن و گل برای قالب گیری و مدل سازی و فعالیت های خلاقه جمعی (رقص و آواز) استوار است . در مدارس متوسطه فشار امتحانات و آموزش حرفه ای موجب محدودیت فعالیت های خلاقه می شود و در نتیجه حالت فرهنگی در غالب موارد برای نوجوانان زبانی به بعد به صورت فعالیتی فرعی در می آید . اینهمه مسئولان آموزش بیش از پیش معتقدند که هدف اصلی آموزش متوسطه تأمین شکستگی نان از راه توسعه و تقویت قوا و استعداد های ، مطالعه و شناخت دنیای مادی و اجتماع انسانی ، غنی و آشنائی با دنیای آرمان ها و الهامات و کسب تجربه فرهنگی به صورتی خلاق و سازنده است . علوم انسانی در این دوران باید به گونه ای طراحی شود که بتواند در مراکز آموزش نیمه وقت و مراکز آموزش بزرگسالان سوا کم و کیف محتوی فرهنگی برنامه ها تابع رشته های آموزشی است و بنا به مورد کم و زیاد بشود . بنابراین بطور خلاصه می توان گفت که محتوی فرهنگی در مراحل اولیه آموزش ، عالی و بی است ، اما از دوره های میانی تا عالی کاهش می یابد .

مجمع اوتواو نیز با صدور توصیه های زیر به بین واقعیت توجه داشته است :  
 « آموزش عمومی هنر برای آنکه مؤثر افتد

باید پیش از مدرسه در محیط خانواده و نیز از نخستین سال های مدرسه ابتدائی آغاز شود . بنابراین یونسکو باید به همه دولتهای عضو یاری دهد تا برنامه های آموزش هنری مؤسسات فرهنگی و تربیتی خود را بر اساس اصول زیر ارزیابی کنند :

الف - کوشش در حفظ و توسعه قوای مدرکه غیر کلامی کودکان با فراهم آوردن امکانات و تسهیلاتی تا با استفاده از آن بتوانند قوه خلاقیت خویش را به ظهور رسانند و از راه کشف و شهود در قلمرو هنر ، آگاهی و اطلاعات خویش را توسعه بخشند و چون در امر بسط و افزایش معلومات و آگاهی هنری از راه کشف و شهود در پهنه هنر ، احتمال تشویق و تنبیه ، عقوبت و پاداش ، بیم داوری بر اساس معیارهای مورد پسند بزرگسالان نمی رود ، حیاسیت کودکان آزادانه رشد و نمو کرده و پرورش خواهد یافت .

ب - کودک با یافتن جا و مقام خویش در زمان و مکان ، طالب آنست که به مدد وسایل هنری زمان و محیط اجتماعی خاص خود دست یابد و آفرینش زند . ازینرو دورین فیلم برداری ، ضبط صوت و دیگر ابزار و اسبابی که جامعه بر اثر پیشرفت فنی به دست آورده باید در اختیار او قرار گیرند ، زیرا این وسایل امروزه در حکم قلم موی نقاشی ، مداد رنگی ، و خمیر قالب گیری و مدل سازی و مجسمه سازی در گذشته اند .

به فرجام متخصصان اوتواو نتیجه می گیرند که پرورش حواس و نیز بکار گرفتن و تسخیر وسایل جدید بیان یعنی تصویر و صوت باید معلم نظر آموزش هنری در مدرسه باشد . اما در برنامه ها ،



ساعات درس و روشهای آموزش مدرسی هنوز دو پدیده عمده فرهنگی یعنی (بازسازی یا تولید صنعتی) صوت و تصویر (به مقدار بسیار و به قیمت نازل) یعنی کاربرد صوت و تصویر و پخش تلویزیونی آن منظور نشده و مورد غفلت و اهمال قرار گرفته است.

به نظر بسیاری از والدین و مربیان، تلویزیون وسیله اختلال و آشفتگی تربیت فرهنگی است. حال آنکه تلویزیون مؤثرترین وسیله تربیت فرهنگی می تواند بود. و برای حصول این مقصود کافی است که والدین و مربیان نقش میانجی و رابط را که ضرورتاً مکمل فنون ارتباط جمعی است به عهده گیرند.

فراگیری نحوه های جدید بیان ضرور است و اگر این فراگیری در مدرسه انجام نگیرد بیم آن هست که هیچگاه صورت نپذیرد. این وسایل جدید بیان، حیات فرهنگی افراد را به شدت تحت تأثیر خود می گیرند یا تعیین می کنند و اگر مردم بر این وسایل و انحاء بیان مسلط و چیره نباشند، رویاروی یکی از سرشارترین امکانات زندگی معاصر، بی برگ و سلاح یا تأثیرپذیر محض خواهند ماند. بیشک ازینرو مجمع اوتواوا به یونسکو توصیه کرده است که مشوق برنامه های پژوهش و تحقیق درباره «کاربرد هرچه مؤثرتر و مفیدتر وسایل ارتباطی موجود (رادیو، سینما، تلویزیون، Magnétoscope، نوارهای مغناطیسی، صفحه، میکروفیلم و میکروفیش) و وسایلی که بی شک بزودی جزء وسایل ارتباطی بشمار خواهند آمد (مثلاً Holographie, Electrovideo Recording)

در آموزش هنری باشد. البته این مسأله باید مشترکاً توسط هنرمندان، تکنیسین ها، مربیان و مسئولان برنامه ریزی، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و نکته ای که در این مطالعه و بررسی به یاد باید داشت اینست که وسایل ارتباط جمعی علاوه بر آنکه ضمن فراهم آوردن امکان دستیابی به توده های وسیع مردم و برقراری ارتباط و تماس با آنها به خدمت و کمک اشکال هنری موجود می توانند آمد. فی نفسه اشکال هنری هستند یا بزودی چنین خواهند شد.

اما بمنظور تدوین سیاست فرهنگی در این زمب دور راه وجود دارد: تشویق ابتکارات فوق برنامه مدارس و یگانجانبین آموزش فرهنگی در مدرسه ایفک به شرح هر یک از این دو راه می پردازیم:

### فعالیت فوق برنامه ای

شرکت کنندگان در دوره مطالعاتی و پژوهش پیرامون تشخيص دادند که تدارك و تنظیم اشکال نوین تربیت اجتماعی - فرهنگی به نحوی که امکان انجام دادن فعالیت های هنری توسط دانش آموزان را با نرمش و آزادی ای که معمولاً درمؤسسه آموزشی ناممکن است فراهم آورد، ضرور است. این امر یعنی تعیین و تدارك اشکال و صور جدید تربیت اجتماعی و فرهنگی و اجرای آن، علاوه بر آنکه همکاری میان نسل های مختلف را چه از لحاظ اجتماعی و چه از نظر تربیتی تسهیل خواهد کرد و نیز در توسعه و تشویق فعالیت های ابتکاری سخت مؤثر خواهد افتاد، خاصه بمنظور تربیت

نام بزرگسالان حیاتی است، چون اگر تحصیلات و کلاسیک در حدود ۲۵ سالگی پایان می‌گیرد، تعدادی که باید بازساخته‌شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد بی‌گمان پس از این سن نیز باقی می‌ماند. متخصصان اوتواوا این‌گونه اقدامات جدید را که در بعضی از کشورها به مرحله عمل درآمده است به شرح زیر گلچین کرده‌اند:

**در کانادا** نمایشنامه‌های خاص کودکان در تئاترها به روی صحنه می‌آید و بعضی اوقات کودکان خود بازیگران آن نمایشنامه‌ها هستند.

**در ممالک متحدۀ آمریکا** National Educational Television برنامه‌های گوناگون آموزش هنری برای مردم پخش می‌کند. دانشجویان نیز به رایگان «کار اجتماعی» در زمینه هنری انجام می‌دهند یعنی در شهرها و روستاها برنامه‌های آموزش هنری به مرحله اجرا درمی‌آورند.

در مجارستان بعضی کتابخانه‌ها نقش مراکز فرهنگی را دارند، یعنی صفحه، تابلو و دیگر مواد بی‌بصری به عاریت می‌دهند.

در ژاپن قطار هنری که چون مرکزی فرهنگی، مجهز و با سازه‌بزرگ است از شهر به شهر و روستا به روستا می‌رود و برای مردم نمایشگاه برگزار می‌کند، فیلم نمایش می‌دهد و درسهای آموزش هنری می‌دهد.

در مکزیک هیئت‌های فرهنگی بسیار روستائی مرکب از هنرمندان نقاش، مجسمه‌ساز، موسیقی‌دان، رقصنده، بازیگر، نویسنده و غیره از روستا به روستا می‌روند و برنامه‌هایی اجرا می‌کنند و با مردم به بحث و گفتگو می‌نشینند. بعضی هنرمندان

نیز به مدت ۶ ماه یا یکسال در روستاهای کوچک مقیم می‌شوند. اینان در مردم تأثیر و نفوذ عمیق دارند. بخش خدمات ترویجی، که در حال حاضر بیشتر توسط دانشجویان به رایگان سرپرستی و اداره می‌شود، هیئت‌های ارکستر و گروه‌های تئاتر محلی بوجود می‌آورند.

**در هلند** «بازار (Agora) نو» فضای وسیع سرپوشیده‌ایست که در ساعات مختلف روز و در روزهای مختلف هفته به فعالیتها و کارهای گوناگون اختصاص دارد و گاه محل دادوستد است و گاه مرکز هنری، تالار ورزش، محل اجتماعات و یا چیزی دیگر. در زمینه آموزش هنری کارگران، نمایشگاههایی برای کارگران در کارخانه‌ها برگزار می‌شود، و مجموعه‌هایی از آثار هنری برای آنان در کارخانه‌ها گرد می‌آید. ضمناً واحدهای سیار (کامیون یا اتوبوس) خاص نیز وسیله بازسازی آثار هنری را به همه جا می‌برد.

در انگلستان، آزمایشگاهها و آتلیه‌های هنری در محل‌ها و مکانهای بزرگ چون گاراژ، سربازخانه، کارخانه، و انبار بوجود آمده‌اند.

در تونس بولتن‌های اطلاعات هنری به مقیاس وسیع پخش و توزیع می‌شود.

در شوروی مراکز و مجامع هنری عبارت از باشگاههای محلی و دسته‌های غیر حرفه‌ای مرکب از علاقمندان در سنین مختلف است که برای مطالعه هنرهای گوناگون و با تماشای تظاهرات مختلف هنری گرد می‌آیند. گروه‌های هنری تحت نظر سازمان‌های مختلف سندیکائی فعالیت می‌کنند و برنامه‌های هنری به موقع اجرا می‌گذارند. خانه‌های فرهنگ

جوانان و بزرگسالان نیز در محل‌های مختلف دایر است .

اینک پس از ذکر اجمالی این چند نمونه به جاست که از دو ابتکار جالب توجه به دقت و تفصیل بیشتر سخن به میان آید : گالری ، مرکز آفرینش هنری کودک در Torun لهستان و Midlands Arts Centre for Young People در بیرمنگام انگلستان .

## ۱ - گالری ، مرکز آفرینش هنری کودک

اندیشه ایجاد این مرکز بعنوان «موزه آفرینش کودک» که در لهستان منحصر به فرد است و فعالیت آن به سال ۱۹۶۳ آغاز شد، از گروهی هنرمند و استاد هنرهای تجسمی دانشگاه کپرنیک نشأت گرفت. این گروه نخست مقامات شهرداری، مسئولان منطقه‌ای و محلی ، استادان تعلیم و تربیت دانشگاه و زشو و وزارت فرهنگ لهستان را به طرح خود علاقمند ساخت و به دنبال آن طرح مقدماتی گسترش یافت و بر موزه یک مرکز تحقیق درباره آفرینش هنری کودکان و روشهای آموزش هنر به کودکان و اهمیت تربیت هنری در آموزش افزوده شد. ضمناً این مرکز عهده‌دار هماهنگ ساختن اینگونه تحقیقات در سراسر کشور نیز هست .

دانشجویان هنرهای تجسمی در این گالری کارآموزی می‌کنند و برنامه تحقیق در حال حاضر (سال ۱۹۷۲) مربوط به ۸۰ کودک ۴ الی ۱۵ ساله است . نمایشگاهی که این گالری ترتیب داده

منتخب آثار است درباره مضمون «سال ۲۰۰۰ از دیدگاه کودک» . این گالری - موزه تنها ۳ کارمند تمام وقت دارد .

## ۲ - وظیفه و رسالت

Midlands Arts Centre for Young People عبارتست از فراهم آوردن امکانات و وسایل مختلف برای تحریک و تشویق قریحه خلاقیت هنری کودکان و پرورش ذوق و سلیقه هنری آنان. فعالیت مرکز که ناظر به تمام منطقه Midlands است از راه : مدرسه ، خانواده و اعضای آزاد مرکز انجام می‌گیرد ، بدین معنی که مدارس منطقه Midlands از فعالیت مرکز آگاهی می‌یابند ، معلمان شاگردان را در دستهای کوچک به تماشا و تظاهرات هنری مرکز می‌آورند . این تظاهرات بعدها مورد بحث و گفتگوی شاگردان قرار می‌گیرد و در حرکت یا کلاس توسط شاگردان بازسازی می‌شود . خانواده‌ها نیز می‌توانند به مرکز بیوند و امید می‌رود که از این راه جدائی بین زندگی هنری و زندگی خانوادگی از میان برود . عضویت انفرادی نخست به تعداد ۱۰,۰۰۰ تن پیش‌بینی شده بود ، اما شماره اعضا از این رقم بسیار فراتر رفته است ، علاوه بر این باشگاهی نیز در مرکز هست که کودکان همراه والدین خود روزها یکشنبه (تعطیل) به آنجا می‌روند .

هر شب در مرکز فعالیتی خاص جریان دارد موسیقی ، تئاتر ، مجسمه‌سازی ، بحث و گفتگو و غیره که همه آنها توسط بزرگسالان اهل فن



فالباً خود هنرمندان رهبری و اداره می‌شود .  
کارگاهها و کتابخانه‌ها و تالارهای تمرین مدام  
باز است . مرکز دارای يك گروه تئاتر نیز هست  
که مرکب از بازیگران حرفه‌ای جوان فارغ‌التحصیل  
مدارس دراماتیک و دانشگاههاست . ضمناً در آخر  
هفته کنفرانسهای مختلفی دربارهٔ مسائل گوناگون  
برگزار می‌شود .

از ۷ میلیون فرانک فرانسه که مرکز در  
۱۹۶۸ خرج کرد ۱۰٪ توسط دولت ، ۱۵٪ توسط  
بهرداری و ۷۵٪ بقیه به وسیلهٔ بخش خصوصی :  
سازمان صنایع ، بنیادهای تربیتی و فرهنگی ،  
سیدیکا و اشخاص متفرقه تأمین شده بود .

موازات هم: مدرسه سنتی، مراکرا اجتماعی- فرهنگی  
و شبکه‌های ارتباط جمعی به وجود آورد . از اینرو  
بردن فرهنگ به مدرسه یا گنجاندن فعالیت‌های  
فرهنگی در مدرسه ، یا ایجاد «مدرسه باز» بهترین  
راه تربیت فرهنگی عامهٔ مردم می‌تواند بود . این  
راه حل دارای فواید بسیار است :

- الف - اکثر جوانان را در بر می‌گیرد .
- ب - موجب بهم پیوستن و تلفیق قلمروهای  
از هم گسیخته: اطلاعات و معلومات ، فرهنگ و  
تفریحات و سرگرمی‌ها می‌شود .
- ج - مدرسه را به تجدید نظر در روشهای  
خود و بالمال بهبود و اصلاح آنها می‌کشد .
- و - آموزش دائم بزرگسالان را امکان‌پذیر  
می‌سازد .

ه - باعث صرفه‌جویی در تجهیزات می‌گردد  
زیرا اطاقهای مدارس شبها و هنگام تعطیلات  
هفتگی و یا سالانه خالی و بدون استفاده نمی‌ماند .  
بر بزرگسال ، درسه عالم از هم گسیخته و جدا مانده :  
دنیای کار ، ناسازگار با شکستگی شخصیت ، دنیای  
تفریحات که در واقع گریزگاهی بیش نیست ، و  
دنیای فرهنگ که مرده‌ریگ علم و فضل‌گذشتگان  
است یکی پس از دیگری سیر و زندگی کند ؟  
کودک سرشتی یگانه دارد و در وجود رشدپذیر و  
کمال‌یابنده‌اش فرهنگ و تفریح و فنون و معلومات  
مجموعاً ، کلی واحد می‌سازند . پس طبیعی نیست که  
برای کودک مدرسه ، خانهٔ جوانان ، کتابخانه ، سالن  
ورزش و سینما را تنها بدین‌علت که مطابق طبقه‌بندی  
کهنهٔ اداری سوای یکدیگرند ، از هم جدا کنیم .

گنجاندن یا ادغام تام و تمام فرهنگ در آموزش  
مدرسه

فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه در مدرسه و یا در  
بیرون از مدرسه هر اندازه بدیع و ابتکاری و  
سودمند باشد باز هیچگاه به تنهایی جوابگوی نیازها  
و خواسته‌های توسعهٔ فرهنگی بدانگونه که توسعهٔ  
فنون ارتباط جمعی مطرح ساخته و برانگیخته است  
نمی‌تواند بود . John English مدیر Midlands  
گفته است حتی ۱٪ جمعیت بیرمنگام را مشمول  
برنامه‌های مرکز نمی‌تواند ساخت . بنابراین باید  
نظام دیگری به کمال نظام آموزشی داشت تا بتوان  
به همهٔ مردم پرداخت ، اما هیچ کشور آتقدیرغنی نیست  
که قادر به ایجاد و حفظ دو نظام آموزشی باشد و  
طریق اولی ممکن نیست در یک کشور سه مدرسه به

همچنین طبیعی و معقول نیست که بزرگسالان این مجموعه را هنگامیکه مدرسه به حکم تحولات فنی روزیاید به صورت محل آموزش زبانها و بیانهای نوین و زین پس ضرور برای کودک، یعنی آموزش علوم جدید، اقتصاد، تکنولوژی نوین، وسایل ارتباط جمعی از راه صدا و تصویر درآید، چون مجموعه‌ای بسته ببیند. تربیت بزرگسالان و جوانان نباید دوگانه، گسسته و متفاوت باشد، بالعکس مدرسه محل آموزش دائم گروههای جوان و بزرگسال می‌تواند بود. و این چیزیت که در بسیاری از نقاط جهان در شرف تکوین است.

مثال‌های زنده‌تر زیر نمودار تحولات نویسی است که در زمینه برقراری ارتباط میان فعالیت فرهنگی و فعالیت مدرسی، تلفیق نام و تمام فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در مدرسه و نیز ادغام همه آنها دریافت شهر پدید آمده‌است.

کسره، تئاتر و نمایشگاه در مدرسه

در سوئد سه سازمان ملی عهده‌دار انجام دادن فعالیت‌های مربوط به تئاتر و موسیقی و نمایشگاه در مدارس هستند. مثلاً در زمینه موسیقی هدف عبارتست از اجرای سه کسره در سال برای شاگردان مدارس هریکشی، تا هر شاگرد طی ۱۲ سال لااقل ۳۶ کسره شنیده باشد. هر سال در حدود ۴۰٪ مدارس نمایشگاه برگزار می‌شود و در حدود ۲۵٪ مدارس برنامه‌های تئاتر اجرا می‌گردد و نکته شایان توجه اینکه در آینده کمک به ایجاد واحداث مدارس موقوف و مشروط به این است که

مدارس دارای برنامه فعالیت‌های فرهنگی و هنری خارج از مدرسه و مافوق برنامه باشند.

### پارکهای تربیتی

هدف از اجرای این برنامه که در چندایالت ممالک متحده آمریکا به صورت آزمایشی انجام می‌گیرد، تقویت محتوای فرهنگی آموزش از راه تلقین مدرسه و مرکز فرهنگی در یک جاست. شاگردانی که به این پارکها پذیرفته می‌شوند با متفاوت و از سه سالگی تا سیکل اول متوسطه و خردسالان است. پارکها بدوی عموم مردم با بازاست و نکته اینجاست که مردمی که از مراکز فرهنگی استقبال نمی‌کنند، به طیب خاطر به پارکها تربیتی روی می‌آورند. شاگردان مدارس در سطح و سطحی که باشند می‌توانند آزادانه به کارهای مختلف بپردازند و این آزادی به آنان امکان می‌دهد که قریحه و استعداد خویش را بدانند که می‌خواهند بیازمایند و پرورش دهند.

مدارس باز به روی همه خانواده‌ها

در یک مدرسه ابتدائی واقع در محله‌ای از لندن که سطح فرهنگی خانواده‌های ساکن آن بسیار پایین است، امکانات انجام دادن فعالیت‌های خانوادگی تنها برای کودکان بلکه برای همه افراد خانواده فراهم آمده است. پدران و مادران همچنین شاگردان مدرسه متوسطه مجاور می‌توانند هرگاه که بخواهند برای شرکت در این فعالیتها،



دیده بیایند. شاگردان در انجام دادن فعالیتهای  
بلخواه آزادند. این مدرسه نمونه «مدرسه باز»  
است.

مدرسه متوسطه برای همه افراد جامعه‌ای کوچک

هدف مدرسه متوسطه Ivanhoe در Ashby  
انگلستان عبارتست از بوجود آوردن يك كانون  
فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی برای اهالی يك  
منطقه. مدرسه ایوانهو در روز يك مدرسه متوسطه  
و در شب مركز انجام دادن بسیاری از فعالیتهای  
اجتماعی و فرهنگی برای عموم مردم است. این  
عالیتهای توسط مدرسه و خاصه بوسیله سازمانهای  
سومی وابسته به Commune و نیز به همت سازمانها  
و اجنهای گوناگون به ویژه سازمانهای تربیت عامه  
برقرار می‌شود. شماره کسانی که در این فعالیتهای  
شرکت می‌کنند کمی بیش از تعداد شاگردان مدرسه  
روزانه است (۱۰۰۰ تن در شب و ۹۰۰ شاگرد در  
روز).

تلفیق تام و تمام فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی،  
ورزشی و تربیتی در يك ساختمان

مركز تربیتی و فرهنگی Val d'yerres  
(فرانسه) که در سال ۱۹۶۹ گشایش یافت ،  
يك مركز نمونه آموزش دائم است ، بدین معنی  
که يك مدرسه متوسطه تجربی در مجموعه‌ای  
ساختمانی مشتمل بر يك مركز ارتقاء اجتماعی، يك  
خانه جوانان، يك کتابخانه - صفحه‌خانه، يك کارگاه  
هنری، يك تئاتر، بخش خدمات اجتماعی منطقه

(Commune) ، و يك مركز ورزشی که همه زیر نظر  
مدیري واحد قرار دارند ، جای گرفته یا ادغام شده  
و هدف عبارت از باز کردن مدرسه به روی مردم منطقه  
و تلفیق فعالیت فرهنگی با فعالیتهای مدنی، اجتماعی  
و تربیتی است . مركز در خدمت و اختیار  
Commune ۱۸ هزار نفری است که سرعت به  
صورت شهری در نزدیکی پاریس درمی‌آید. همه  
تجهیزات و تأسیسات اجتماعی - فرهنگی شهر :  
کتابخانه ، صفحه‌خانه ، تالار کسره و غیره در  
نزدیکی مدرسه متمرکز است . تلفیق این فعالیتهای  
دارای اثرات تربیتی ، اقتصادی و اجتماعی است .  
نخستین نتیجه این تلفیق آگاهی یافتن کودکان از  
انواع فعالیتهای فرهنگی و ورزشی است . امروزه  
می‌دانیم که به صرف ساختن تئاتر و استادیوم ورزشی،  
امید نمی‌توان داشت که همه کسانی که این تأسیسات  
برای آنان ساخته شده ، به تئاتر و استادیوم بروند  
و از امکانات فراهم آمده استفاده کنند . بر سر این  
راه موانعی روانی وجود دارد که بیشتر ناشی از  
فقدان یا کمبود اطلاع و آگاهی مردم است . در

Yerres جوان ۱۲ - ۱۳ ساله از هر محیط  
خانوادگی که باشد نیک می‌داند که تئاتر وجود  
دارد ، هنرپیشگان افراد صاحب فن و حرفه‌ای  
هستند که هفته‌ها کار می‌کنند تا طی دو ساعت  
پرده از مسائل و مشکلات انسانی بردارند . جوان  
۱۲ - ۱۳ ساله به مادری با سواد و فرهنگ و  
بی‌کار تکیه ندارد تا او را به کمندی فرانسز ببرد.  
بلکه از همان راهی که به مدرسه می‌رود به تماشای  
نمایشنامه هولیر نیز می‌تواند رفت و همین راه او  
را به ورزشگاه ، کتابخانه ، مركز کسب اطلاعات

و معلومات، پرورش تخیل و کشف غنای جهان می‌رساند. برنامه مدرسه تغییر نکرده و مدرسه به مدرسه‌ای هنری بدل نشده است، اما معماری ساختمان طوریت که مظاهر فرهنگی همه به‌سادگی و سهولت در اختیار و در دسترس کودک و در معرض دید اوست و کار آموزگار تنها ارشاد و هدایت و راهنمایی است. کمک به هیئت آموزشی Yerres در اجرای وظایف فرهنگی که برعهده دارند به طریقی جالب انجام می‌گیرد. در Yerres کارگزاران فرهنگی همکاران پرورشکاران اند. آنان در باشگاهی خاص گرد می‌آیند و به اتفاق تقویم فعالیتهای کودکان را تنظیم می‌کنند و در واقع لازم و ملزوم یا مکمل یکدیگر در کار آموزش اند. بدینگونه پرورشکاران که نخستین مخاطبان فعالیتهای فرهنگی اند، خود کارگزار فرهنگی می‌شوند.

فایده دیگر تلفیق و ترکیب تأسیسات، تجهیزات و فعالیتهای مختلف اینست که هر یک در قیاس با یکدیگر ارزش واقعی خود را در نظر مردم بازمی‌یابد. کتابخانه از صورت شعبه شهرداری بیرون آمده، جبراً به صورت محل کسب معلومات برای کودکان و مرکزی رغبت‌انگیز جهت مراجعان ورزشگاه و مرکز اجتماعی درمی‌آید. بازدیدکنندگان و کارآموزان مرکز اجتماعی درمی‌یابند که حضور در مجالس درس مربوط به ارتقاء اجتماعی و شرکت در ترمینات تأثیر، برای آنان امکان‌پذیر است. طرفداران خانه جوانان امکاناتی بیش از چند وسیله گذران فراغت چون پینگ‌پنگ و لاپراتوارهای عکاسی در اختیار خود می‌بینند، شونده‌گان درسهای ارتقاء اجتماعی می‌توانند از

هنرپیشگان بخواهند که آنانرا با فن بیان آشنا سازند. همه چیز چون غذای خویست که هر جزئی از طعم اجزاء دیگر بهره می‌گیرد.

اما باز کردن مدرسه به روی شهر و شهر به روی مدرسه، مستلزم اتخاذ سیاست خاصی است. تجربه تأثیر برای مردم نشان داده است که اگر می‌خواهیم فعالیت فرهنگی چیزی جز تفریح یکشنبه باشد، باید مردم را متشکل کنیم و سازمان دهیم. در Yerres مردم با مردم عادی تأثیر و یا موزه رو فرق دارند. این مردم مرکب اند از گروههای خردسالان، مریبان، جوانان و بزرگسالانی که به فعالیتهای مختلف و خاصی علاقمندند. سرپرستان هر فعالیت خاص، مخاطبان و مشتریان خود را در دیگر فعالیتهای شرکت می‌دهند و بدینگونه از خطر شناخته تخصص‌گرایی به نحوی که دانشجویان غیر دانشجویان را برانند و با جوانان و بزرگسالان متقابلاً از یکدیگر دوری جویند، می‌پرهیزند. یکی از هدفهای عمده مرکز Yerres سازمان دادن کارها به نحوی است که بروزچین جدایی و افتراقی عملاً ناممکن باشد، بزرگسالان با مدرسه پیامیزند، دنیای مریبان به روی نیازمندی شهروندان و شهر بروی خواسته هیئت آموزشی باز و گشوده باشد و تعاون و همکاری اجتماعی که بی‌آن فرهنگ و مدنیت وجود نمی‌تواند داشت توسعه یابد.

تلفیق مدرسه و فعالیتهای فرهنگی در یکجا فواید مالی نیز دربردارد:

درجا و محل صرفه‌جویی می‌شود و از آن همیشه و تمام وقت استفاده به عمل می‌آید، سرپرستی و نظارت هم به صورتی متمرکز انجام می‌گیرد

تلقین فعالیتهای تربیتی و فرهنگی و بخش آنها در ساکن مختلف یا در سراسر شهر

در محلات نوین شهر گرونوبل برنامه‌ای به موقع اجرا درآمده که هدف از اجرای آن انجام دادن فعالیتهای تربیتی دایم به نفع همه اهالی و ساکنان محلات است. به بیانی دیگر غرض این است که ذوق آموختن و فراگیری، به‌طور دایم از طریق تویق کودکان به استفاده از مراکز اسناد و مدارکی که در اختیار آنان قرار دارد و فراهم آوردن امکانات و وسایل افزایش معلومات، بهبود مهارت و کارآموزی در محله (از قبیل مراکز اسناد، لابراتوار زبان، آتلیه (غیره) برای بزرگان، تحکیم و تقویت شود. در این تربیتی جامع مطمح نظر است نه آموزشی منحصر به توسعه هوشی یا بهبود مهارت‌های حرفه‌ای، و از اینرو این تربیت ضرورتاً باید در عین حال توسعه فعالیتهای هوشی و ورزشی و هنری به ویژه از طریق حداکثر استفاده از: «برنامه تربیتی» را که در برنامه آموزش مدارس منظور شده است (دولت فرانسه برای غنی‌تر ساختن محتوای فرهنگی برنامه‌ها تصمیم گرفته است که مدارس ابتدائی ساعات بعد از ظهر را به «دروس بیداری» یعنی تدریس مواد فرهنگی و انجام دادن فعالیتهای ورزشی اختصاص دهند) در برگیرد و تأمین کند.

نتایج این اقدام عبارت بوده‌اند از: در زمینه مربیان: جمع آوردن مربیان، کارگزاران اجتماعی و فرهنگی در یک گروه، در زمینه تجهیزات و تأسیسات: جادادن سالنهای مختلف فعالیتهای فرهنگی و تربیتی در کنار خیابانهای

میانی محلات و هر بار که ممکن و میسر بوده در خود ساختمانها (کانون سالمندان، خانه‌های معلولین و غیره)، بدینگونه از افتراق و جدائی میان مدرسه و اجتماع که حاصل آن تخریب حیات و فعالیتهای گروههای فرعی و مختلف اجتماع در رده‌ها و قشرهای بسته و بی ارتباط با یکدیگر است پرهیز می‌شود، تجهیزات و تأسیسات محله از کار و فعالیت ساکنان گسیخته جدا نمی‌ماند، چون ساکنان دررفت و آمد روزانه از برابر تأسیسات می‌گذرند و کودکان خویش را در حین فعالیت می‌بینند. ضمناً بمنظور آموزش دائم و استفاده هر چه بیشتر از امکانات و تسهیلات، تجهیزات و تأسیسات تنها در اختیار انحصاری مربیان نیست بلکه در دسترس همه اهالی محله است. کودکان بدینگونه مجال و امکان می‌یابند که خارج از ساعات مدرسه از آتلیه و تجهیزات ورزشی استفاده کنند، همچنین جوانان و بزرگان

ترجمه و نگارش جلال ستاری

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
جامع علوم انسانی